

تبیین عوامل اجتماعی و شاخص‌های مؤثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی

سیده صفا موسوی

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

روزیتا سپهرنیا

دانشیار گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول (نویسنده مسئول). ro.sepehrnia@iau.ac.ir

بهرام قدیمی

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش: هویت ملی ورزشکاران زن به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی ورزش قهرمانی، تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد و در بستر جامعه توسعه می‌یابد. پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل اجتماعی و شاخص‌های مؤثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی انجام شده است.

روش پژوهش: ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخت و روش تجزیه و تحلیل در بخش کیفی بهره‌مندی از کدگذاری از طریق نرم‌افزار مکس کیودا، و در بخش کمی استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از تحلیل عامل تاییدی انجام شده است.

جامعه آماری: در این تحقیق در بخش کیفی شامل خبرگان نظری و تجربی، به تعداد ۷۱ نفر بوده که از طریق هدفمند و گلوله برفی تا اشباع نظری انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ورزشکاران زن (با تمرکز بر رشته‌های تکواندو، کراته، کبده، هاکی، فوتبال، فوتسال و والیبال) بودند که حجم نمونه منطبق با فرمول کوکران و بصورت تصادفی و احتمالی، در پاره‌ای موارد بصورت تمام شماری انتخاب شدند.

یافته‌ها و نتیجه پژوهش: یافته‌های تحقیق مشخص گردید سه بعد اصلی نظام‌های خانوادگی، فشار اجتماعی، رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشند و ضمناً مشخص شد که بیشترین تأثیر بر روی شکل‌گیری هویت ملی در عرصه پایداری در این بعد مربوط به نظام‌های خانوادگی و کمترین رتبه مربوط به رسانه‌های تبلیغاتی است، از این رو با تأکید بر مؤلفه‌های این بعد می‌باید بر روی مؤلفه‌های مهمی چون ترویج حمایت خانواده، مشارکت خانوادگی، الگوهای خانوادگی برای ورزشکاران تمرکز نمود.

کلید واژه‌ها: تبیین، عوامل اجتماعی، شاخص، پایداری، ورزشکاران زن، هویت ملی.

مقدمه

امروزه بسیاری از کشورها با مسأله هویت ملی مواجه هستند. یکی از عوامل ایجاد و ثبات هویت ملی، ورزش است. ورزش یکی از عناصری است که هم می‌تواند بر شکل‌گیری هویت ملی مؤثر باشد و هم از آن تأثیر پذیرد و با ظرفیت نمادینی که دارد می‌تواند ملتی را پراهمیت جلوه داده و غرور و هویت ملی آن را ارتقاء دهد (فاضلی، ۱۳۹۷). نقش پرزنگ هویت ملی در ورزشکاران زن باتوجه به کمی و کاستی‌های موجود از مسائل مختلفی سرچشمه می‌گیرد. به طور مثال نقش پوشش اسلامی که سبب می‌شود در بعضی از رشته‌های ورزشی با محدودیت‌های رو به رو شوند و محدودیت‌های که از طرف مجامع بین‌المللی بر زنان دیکته می‌شود و اثرات روحی و روانی آن بر ورزشکاران زن و یا تبعیض جنسیتی که وجود دارد ورزش زنان را دچار چالش می‌کند. از این رو این چالش‌ها می‌تواند هم باعث رشد هم تخریب ورزشکاران زن شود. میزان دسترسی به امکانات و بودجه ورزشی که گاهاً بین زنان و مردان تفاوت فاحشی وجود دارد خود یکی دیگر از محدودیت‌های پیش روی ورزشکاران زن است. زنان ورزشکار ما با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی و نوع پوشش و غیره که دارند تنها نماینده ورزشی نیستند بلکه یک نماد از کشور ایران هستند که این نقش بسیار در جوامع بین‌المللی برای ما حائز اهمیت است. در این راستا اینگونه چالش‌ها و محدودیت‌های ذکر شده می‌توانند نقش بسیار مهمی در میزان پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی ایفا کند. از این رو آنان در حال حاضر یکی از تاثیرگذارترین قشر بر شگل‌گیری افکار عمومی هستند. حال اگر در ورزشکاران زن ایرانی دلبستگی و تعهدی به هویت ملی و کشور نباشد یا اندک باشد با توجه به الگو بودن آنان می‌تواند لطمه جبران ناپذیری به زنانی که آنان را الگو قرار داده‌اند وارد نماید. زنان ورزشکار باتوجه به گرایش ورزشی و میزان مدال‌آوری،

انفرادی یا گروهی بودن و یا میزان علاقه‌مندی مردم به آن می‌تواند تأثیرات چشمگیری را در هویت ملی خط‌دهی به عموم مردم و احساس غرور و اشتراکات داشته باشد.

یکی دیگر از مشکلاتی که در خصوص پابندی زنان ورزشکار به هویت ملی وجود دارد، عدم توازن و عدم تساوی جنسیتی در حوزه ورزش است. در حالی که ورزش می‌تواند یک فرصت بزرگ برای تقویت هویت ملی و ترویج برابری جنسیتی باشد، به دلایل مختلفی زنان همچنان با تحدیدها و موانع روبه رو هستند. بین دو پدیده ورزش نوین و ملی‌گرایی از آغاز شکل‌گیری ارتباط و پیوند برقرار است که قابل بررسی است. این دو پدیده از آغاز شکل‌گیری و در ادامه سیر تکامل خود بسیار با هم درآمیخته‌اند. از یک طرف ورزش بستری برای ساخت، نفوذ و گسترش هویت ملی بوده است و از طرف دیگر جنبش‌ها و حکومت‌های هویت طلب در تقویت، نفوذ و گسترش ورزش نوین نقش داشته‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳).

بیان مسأله:

هویت را می‌توان اعتبار و شناسنامه یک ملت دانست که متشکل از مجموعه‌ای از تعلقات مادی و غیرمادی است و نقش سازنده‌ای در جریان‌های گوناگون اجتماعی و ملی دارد. مسئله هویت برای زنان در ایران، از این رو اهمیت می‌یابد که برداشت‌های متفاوتی از زن بودن در جامعه وجود دارد. برخی از این برداشت‌ها با برداشت انسان کامل فاصله دارد. به بیان دیگر، هویت زنان شکل کاملی به خود نگرفته است. در یک سطح جامعه و ساختارهای آن هویت زنان را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که گویی آنان موجوداتی ناقص‌اند و در این راستا می‌توان به موانع قانونی و موارد تبعیض علیه زنان اشاره کرد. از طرف دیگر ساختارهای جامعه به گونه‌ای با هم ترکیب شده‌اند که باورهای نادرست در مورد زنان را به خود آنها القا می‌کند. بخشی از این تصورات باعث

می‌شود که زنان گاهی اوقات خود را مرد جلوه دهند و آرزوی مرد بودن کنند. اگر جوامع انسانی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف را جدی نگیرند، نخواهند توانست به یک جامعه سالم دست یابند. به واسطه نقش خطیر زنان در خانواده که به عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه محسوب می‌شود، می‌توان گفت که قلب جامعه در سینه خانواده می‌تپد و زن نیز ضربان حیات خانواده است. تاریخ ورزش نشان می‌دهد که به موازات توسعه و پیشرفت فرهنگ عمومی یک جامعه، فعالیت‌های ورزشی نیز حضوری موفق و پویا در زندگی افراد جامعه داشته است. جدایی بین ورزش و فرهنگ یک جامعه امکان‌پذیر نیست و ارتقای فرهنگی می‌تواند در عامل ارتقای ورزشی و باعث دگرگونی و تحول آن در جهت تکامل باشد، که این نشانگر تأثیر متقابل ورزش و فرهنگ است. انسان‌شناسان درباره ورزش به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی، پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند. ورزش از دو منظر در مطالعات انسان‌شناسی دارای اهمیت است، اول از دیدگاه تداخل فرهنگی و دیگری به عنوان رابطه‌ای برای مشاهده تغییرات فرهنگ جامعه تداخل و تعامل فرهنگی از طریق ورزش به معنای انتقال معنای فرهنگی توسط ورزش است که مفاهیم بومی، ملی، گروهی و جهانی را شامل می‌شود و جلوه‌ای آن در رفتارهای فرهنگی و آیینی به شکل‌های تلفیقی و بازتولید قومی جهانی نمایان می‌شود. ورزش پدیده‌ای فرهنگی اجتماعی است که با ساختارها، نهادها، و اقشار مختلف اجتماعی خصوصاً زنان مرتبط است. پژوهش‌ها بر این حقیقت تأکید دارند که زنان مسلمان برای شرکت در ورزش با مشکلات اجتماعی و فرهنگی از سوی جامعه مواجه هستند. برای مثال مشخص شده است که زنان مسلمان کمتر در رویدادهای ورزشی بین‌المللی مانند المپیک حضور می‌یابند، زیرا در این صورت از سوی جامعه خود مورد تبعیض قرار گرفته و یا طرد می‌شوند. البته مشکلات دیگری برای زنان مسلمان

وجود دارد. به طور مثال، در انگلستان، مسئله خشونت جنسی مذهبی و نژادی در قبال مسلمانان و عدم ارائه اطلاعات صحیح در مورد جنسیت و اسلام توسط رسانه‌ها باعث شکل‌گیری قضاوت عجولانه و تبعیض در مورد مسلمانان شده است. نقش هویت ملی زنان در این پژوهش باتوجه به تأثیرات چشمگیر ورزشکاران زن بر جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد از این نظر که می‌تواند از چند جهت بسیار کارگشا باشد، اول جلوگیری از تبعیض جنسیتی، دوم روشن ساختن آینده و دادن انگیزه جامعه زنان، سوم پررنگ شدن سهم فرصت‌های برابر باتوجه به فرهنگ غنی ایرانی اسلامی برای زنان در ورزش، نقش ورزشکاران زن در مجامع بین‌المللی و کسب قهرمانی‌های پیاپی نه تنها بر زنان جامعه و استحکام هویت ملی آنان تأثیرگذار است بلکه از نظر سیاسی و اجتماعی نیز برای کشور بسیار می‌تواند دارای امتیازات خاص باشد. برطبق نظریه‌های جامعه‌شناسی، هویت ماهیت و موجودیت ثابت و پایداری ندارد و در طول زمان شکل گرفته و متحول می‌گردد و دائماً تغییر می‌کند (کالینسون^۱ و هاکی، ۲۰۰۷). عملکرد قهرمانان نخبه ورزشی و موفقیت آنها و از طرفی پیامدهای این موفقیت در سطح ملی و بین‌المللی، از موضوع‌های اساسی در پژوهش‌های جامعه‌شناسی و مدیریت ورزشی است. هویت و غرور ملی هم ازجمله موضوعات بین‌رشته‌ای دیگر در جامعه‌شناسی ورزشی و مدیریت ورزشی محسوب می‌شوند و از دلایل مهم مشارکت دولتها در ورزش و به ویژه ورزش قهرمانی، کسب افتخار و ایجاد نشاط و شادی در جامعه و به عبارتی تقویت غرور ملی و انسجام ملی در سطح جامعه است. در این راستا، شناخت میزان غرور ملی و شناسایی مهمترین ابعاد آنکه باعث تقویت غرور ملی در مردم یک جامعه می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است (ده چشمه و همکاران، ۱۳۹۳). در هر کشوری تیم ملی هر رشته ورزشی را می‌توان جلوه گاه تلاش‌ها و کوشش‌های ورزشی انجام

شده در آن کشور دانست و همه تلاش‌های نهادهای ورزشی در هر کشور متمرکز بر تیم‌های ملی است و هر زمان که یک رویداد ورزشی بین‌المللی اتفاق می‌افتد، هویت ملی به طور گسترده مورد بحث قرار می‌گیرد و کلیشه‌های ملی و هویت‌های ملی وارد بازی می‌شوند؛ بنابراین موفقیت‌ها و ناکامی‌های ملی پوشان ورزش کشورها از جمله ایران در مسابقات بین‌المللی حساسیت‌های زیادی را در بین مردم و مسئولان به وجود می‌آورد. لذا عملکرد تیم‌های ملی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و آگاهی از چگونگی ارتباط آن با هویت ملی می‌تواند رهنمودهایی را برای تقویت هویت ملی در اختیار نهادهای مرتبط قرار دهد. غرور و هویت ملی با توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی منحصربه‌فرد موجود در هر کشور و موقعیت اجتماعی جمعیتی در هر جامعه شکل می‌گیرد و می‌تواند بر دیدگاه مردم در مورد سایر مسائل نیز تأثیر بگذارد (اسمیت و کیم، ۲۰۰۷).

اهمیت و هدف پژوهش:

ارتقا غرور ملی احساس تعهد به مردم را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود که افراد میهن پرست در عین حالی که دیدگاه خصمانه‌ای نسبت به سایر ملت‌ها ندارند مشارکت فعالی در جامعه داشته باشند (هاشمیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۰). موفقیت تیم‌های ملی و ارتقا غرور ملی موجب تقویت روحیه و افزایش اعتماد به نفس افراد جامعه برمی‌گردد. از طرف دیگر و شاید نقطه مقابل می‌توان گفت تضعیف غرور ملی می‌تواند به راحتی به یاس، ناامیدی، خودباختگی، بی‌انگیزگی و عدم مشارکت فعال در میان شهروندان جامعه منجر شود. بر این اساس، تلاش دولت‌ها همواره بر این است که به روش‌های گوناگون، غرور ملی را در میان شهروندان خود تقویت کرده و ارتقا دهند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). در تقویت و تضعیف غرور ملی عوامل متعددی تأثیرگذار می‌باشند. برخی از دستاوردها از جمله علمی، اقتصادی نظامی و ورزشی باعث شکل‌گیری غرور و هویت ملی

می‌شوند (رای، ۲۰۱۸). بهر حال با درک و توجه به این ضرورت‌ها و عوامل اثرگذار بر پابندی زنان ورزشکار به هویت ملی، می‌توان بهترین راه‌حل‌ها و استراتژی‌ها را برای ترویج پابندی ورزشکاران زن به ملی در نظر گرفته و برای سیاست‌گذاری‌های حوزه ورزشی در کشور مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار داد. تا به امروز با توجه به مرور پژوهش‌های پیشین مقاله یا پایان‌نامه‌ای دال بر تمرکز بر روی مسئله "هویت یابی" یا "پابندی به هویت ملی ورزشکاران زن" انجام نشده و خلاء اطلاعاتی در این حوزه بطور محسوس وجود دارد. از این رو نگارنده برای برطرف کردن این خلاء چشم‌گیر در این حوزه تلاش نمود و بنابراین به تبیین عوامل اجتماعی و شاخص‌های موثر که موجب تقویت یا تضعیف پابندی به هویت ملی زنان ورزشکار می‌گردند دست یافت.

ادبیات پژوهش

"هویت ملی" احساس تعلق فرد به یک دولت یا یک ملت است. یک حس مشترک که مردم به یک وحدت کلی درک می‌کنند که نمود خود را در سنت‌ها، فرهنگ یا زبان سیاست نشان می‌دهد. هویت ملی از نظر روانشناختی به عنوان آگاهی و احساس از تفاوت بین ما و آنها تلقی می‌شود. به عنوان یک پدیده جمعی، هویت ملی می‌تواند به عنوان یک نتیجه مستقیم از حضور عناصر از «نقاط مشترک» در زندگی روزمره مردم به وجود آید مانند نمادهای ملی، زبان، تاریخ ملت، آگاهی ملی و آثار باستانی. هویت ملی در شکل مثبت آن می‌تواند به مهین پرستی که با غرور ملی و احساسات مثبت به کشور مشخص می‌شود همراه دانست ولی در حالت افراطی به شوونیسم و برتری کشور و افراطی‌گری ختم شود. هویت ملی یک ویژگی ذاتی نیست و یک نظام برساخته از روابط اجتماعی است که فرد با اتکا به «نقاط مشترک» در روابط اجتماعی با سایر مردم به آن می‌رسد و دامنه آن می‌تواند از نمادهای ملی مشترک، زبان، تاریخ ملت، پیوندهای خونی و نژادی، موسیقی،

خوراک و سبک آشپزی و غیره باشد. تحت تأثیرات مختلف اجتماعی، افراد با اتخاذ اعتقادات، ارزشها، فرضیات و انتظاراتی که با هویت ملی فرد همسو می‌شوند، هویت ملی را در هویت شخصی خود گنجانیده‌اند. افراد با شناسایی ملت خود، اعتقادات و ارزش‌های ملی را از نظر شخصی معنادار می‌دانند و این باورها و ارزش‌ها را در کارهای روزمره ترجمه می‌کنند. ((روپرت امرسون «هویت ملی را «توده‌ای از مردم که احساس می‌کنند یک ملت هستند» تعریف هویت ملی می‌داند (دیکشنری آبادیس).

هویت اجتماعی، مقوله‌ای انسانی است. همه انسان‌ها به هنگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین به دنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی، در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچ گونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند؛ بنابراین، مقوله هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه‌شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و غیره ندارد.

ابعاد و عناصر سازنده‌ی هویت ملی: همان‌گونه که از تعریف هویت ملی بر می‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود؛ ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود؛ ارزش‌های جامعه‌ای به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد، و ارزش‌های انسانی، به کلیه‌ی اصول و قواعد انسانی، فارغ از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد (زهیری، ۱۳۸۱).

ورزش مدرن بورديو: در مقاله چگونه می‌توان ورزشکار بود. به تشریح بنیادهای تاریخی و بن‌مایه‌های

اجتماعی ورزش مدرن پرداخته و آنگاه به تحلیل کارکردهای تربیتی، پرورشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این پدیده روی آورده است. او تاریخ ورزش را تاریخی نسبتاً مستقل می‌داند که حتی زمانی که تحت‌الشعاع رویدادهای مهم تاریخی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته، دارای آهنگ خاص و قوانین تکامل منحصر به فرد بوده است. بورديو در این زمینه هم چند سؤال را مطرح می‌کند که: چه عواملی در تبدیل میدان بازی به میدان ورزش نقش داشته است؟ آیا ظهور ورزش مدرن با گسست کارکردی همراه بوده است؟ آیا بین ورزش‌های مدرن و بازی‌های سنتی و ورزش‌های سلف خود هیچ تشابهی وجود دارد؟ بورديو در مقام پاسخ به این پرسش‌ها، با توجه به دیدگاه الیاس معتقد بود، گذار از بازی به ورزش به معنای واقعی کلمه در مدارس ویژه نخبگان جامعه بورژوا اروپا صورت گرفته است؛ یعنی در دبیرستان‌های خصوصی که در آنها فرزندان خانواده بورژوا، تعدادی از بازی‌های عوامانه را گرفته و معنای کارکردی آنها را تغییر داده، به طوری که رابطه تمرینات بدنی نخبگان با مناسبت‌های اجتماعی قطع شده و آنها کارکردهای اجتماعی و فرهنگی به ویژه مذهبی و سنتی خود را که بین توده مردم طرفدار داشته، را از دست داده و این بازی‌ها و تمرینات به مدارس کشیده شدند، تا با این تمرینات ساعات بیکاری و گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان بورژوا را پر کرده و کارکردهای آن به امور تربیتی و آموزشی تبدیل شوند (بورديو، ۲۰۲۱). این جامعه‌شناس فرانسوی با وام گرفتن از دیدگاه‌های الیاس، معتقد بود که ورزش مدرن ابزار مناسب و کم هزینه‌ای درمراقبت از دانش‌آموزان بوده و می‌تواند بهترین ابزار نظارت بر آنها باشد. ابزاری اقتصادی با کمترین هزینه که دانش‌آموزان را مشغول نگه داشته و مراقبت از آنها را آسان و ارزان می‌نمود. ابزاری برای نظارت و تخلیه خشونت و تعدیل پرخاشگری آنها، هرچند که بورديو معتقد است ورزش خشونت جسمانی

و فیزیکی را به خشونت نمادین تبدیل می‌کند. به باور بوردیو، کارکردها و مزایای ورزش مدرن امروزی باعث شده که این پدیده به تدریج تبدیل به یک کیش و آیین شده و پیروان زیاد و سرسختی پیدا کند؛ به طوری که، علاوه بر نهادهای ورزشی، انجمن‌ها و سازمان‌های خصوصی و دولتی مثل کارخانه‌ها، سندیکاها و احزاب سیاسی هم به ورزش روی خوش نشان داده و با آغوش باز پذیرای آن بوده و به آن بپردازند و در مقابل از مزایا و کارکردهای مطلوب آن بهره‌مند شوند. بوردیو در مقاله چگونگی می‌توان ورزشکار بود؟ علاوه به پرداختن به ابعاد گوناگون پیامدهای مثبت ورزش، به فلسفه و کارکردهای سیاسی ورزش هم پرداخته است. به گمان وی، ایجاد میدان ورزش همراه با تدوین فلسفه سیاسی ورزشی بوده است. او سیاست ورزشی را بخشی از ورزش مدرن تصور می‌کند و به تحلیل این پدیده با حوزه قدرت پرداخته است. از نظر او، ورزش مدرن عمدتاً با واقعیت‌های اجتماع مرتبط است و شامل یک دسته روابط عینی و تاریخی بین موقعیت‌ها و اشکال مختلف قدرت است. به گمان بوردیو، ورزش میدانی برای رقابت بر سر قدرت است. ابزاری در دست طبقه حاکم به عنوان بسیج و فتح نمادین سیاسی توده‌ها به ویژه جوانان است؛ وسیله‌ای برای رقابت برای سلطه و سلطه‌گری حکومت‌ها، سازوکاری که قدرت تجمع جمعیتی زیادی داشته و توده مردم را با فراخوان عمومی بسیج می‌نماید. او عرصه و میدان ورزش را به ظاهر غیرسیاسی می‌داند که دائماً سیاست و سیاسیون در آن حضور فعال و پرشور داشته و قدرت سیاسی در آن در کوتاه مدت بازتولید می‌شود (بوردیو، ۲۰۱۶).

ورزش به هر گونه فعالیت فیزیکی بدن گفته می‌شود که شرکت کنندگان آن می‌توانند به صورت منظم و سازمان یافته یا گاه به گاه در آن شرکت کنند و از آن برای بهبود تناسب اندامشان و تعادل روان یا فراهم آوردن سرگرمی و تفریح بهره ببرند. ورزش می‌تواند به

صورت رقابتی برگزار شود که در این صورت باید بر پایه رشته قوانینی که مورد توافق همگان است، یک یا چند برنده در آن مشخص گردد که در این گونه ورزش‌ها شرکت کنندگان باید درجه‌ای از توانمندی‌های مربوط به آن رشته به‌ویژه در رده‌های بالاتر را داشته باشند. ورزش به دو دسته کلی بخش می‌شود. ورزش انفرادی، ورزش تیمی هم اکنون با در نظر گرفتن ورزش‌های تک نفره، صدها رشته ورزشی وجود دارد. ورزش‌های گروهی می‌تواند افراد را در قالب دو یا چند گروه دسته‌بندی کند و تیم‌ها با هم رقابت کنند. گونه‌هایی از فعالیت‌های غیرفیزیکی وجود دارد که گاهی آنها را به ورزش نسبت می‌دهند و به آنها ورزش فکری گفته می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۷).

مؤلفه‌های ورزش

۱- مؤلفه فیزیکی: شاید مهمترین ویژگی اصلی ورزش این است که شامل یک مؤلفه فیزیکی است. برخلاف بازی و مسابقات که ممکن است فیزیکی باشد یا نباشد، ورزش باید شامل تحرک فیزیکی و مهارت باشد. به طور خاص، ورزش معمولاً شامل استفاده از هماهنگی فیزیکی، قدرت، سرعت، استقامت و انعطاف‌پذیری است. بتوجه به این تعریف، شطرنج و چکرز ورزش نیستند، در حالی که بازی‌های مثل بلیارد و دارت را می‌توان به عنوان ورزش تعریف کرد، هرچه مهارت فیزیکی مورد نیاز، نسبتاً اندک به هماهنگی چشم و دست محدود می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۷).

۲- رقابت: ورزش همچنین رقابتی است و شامل نتایجی است که برای شرکت کنندگان و غلب برای دیگران، مانند اعضای خانواده، طرفداران، سازمان‌های حمایت کننده و رسانه‌ها مهم است. البته، رقابت، شامل برنده شدن و باختن است و این واقعیت قدرتمندانه شرکت کنندگان را تشویق می‌کند تا صادقانه آموزش ببینند و بهترین تلاش خود را به کار گیرند (قدیمی، ۱۳۹۷).

۳- مسابقات نهاده شده: ورزش‌ها توسط یک گروه یا نهاد بیرونی اداره می‌شوند که قوانین را اجرا می‌کنند و جریان و نتایج را کنترل می‌کنند.

۴- امکانات و تجهیزات تخصصی: ورزش تقریباً همیشه نیاز به امکانات و تجهیزات تخصصی دارد. اگرچه این امر برای ورزش‌های خاصی نظیر دو میدانی و شنای مسافت (آب‌های طبیعی) کمتر صدق می‌کند. اکثر ورزش‌ها نیاز به یک محیط ایجاد شده دارند، خواه یک میدان با مرزهای مجموعه، یک استخر، یک مجموعه ورزشی، یک زمین ورزشی، زمین گلف و یا برخی امکانات دیگر باشد. تجهیزات به خصوص در سطح حرفه‌ای اهمیت دارد که در آن ورزشکاران به کیفیت دقیق سورتمه‌ها، اسکیت‌ها، ژیمناستیک، راکت تنیس و غیره به تجهیزات تخصصی متکی هستند. (قدیمی، ۱۳۹۷).

ورزشکار

فرهنگ لغت اصطلاحنامه ورزشکار را به عنوان فردی که در تمرینات یا مسابقاتی که شامل چابکی بدنی، استقامت، یا قدرت آموزش دیده یا با استعداد است، تعریف می‌کند. شرکت کننده در یک ورزش، ورزش یا بازی که به مهارت فیزیکی نیاز دارد. اما ورزشکار بودن مستلزم فراتر از قوی بودن و رقابت در مسابقات ورزشی است. این امر مستلزم ساعت‌ها و ساعت‌ها تمرین هر روز و تمرین برای سالیان متمادی است که معمولاً با راهنمایی مربی انجام می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۷). ورزش زنان شامل همه مسابقات خاص زنان چه در شکل حرفه‌ای، آماتور یا ورزش همگانی در تمام رشته‌های ورزشی می‌شود. مشارکت زنان در ورزش در قرن بیستم میلادی، به ویژه در اواخر آن افزایش چشمگیری یافت. این افزایش تحت تأثیر تغییرات فرهنگی جامعه بود که بر برابری جنسیتی تأکید داشت. در دنیای امروز شاید هیچ رشته ورزشی که زنان در آن مشارکت نوزند یا آن که ورزش ویژه‌ای برای زنان تلقی شوند یافت نگردد، اما میزان این مشارکت در هر رشته ورزشی و هر کشور

متفاوت است. فرهنگ یا قوانین برخی از کشورها محدودیت‌هایی را برای حضور زنان در بعضی از رشته‌ها به همراه دارد و نیز میزان مشارکت و علاقه آنان در برخی از رشته‌های ورزشی مانند بوکس، کشتی، وزنه‌برداری و انواع فوتبال بسیار کمتر از همبازیان مرد خود است. در مقابل در تعدادی از ورزش‌ها مانند تنیس، ژیمناستیک، پاتیناژ نمایشی و والیبال ساحلی ورزشکاران زن اهمیت بیشتر یا حداقل برابری با هم‌تایان مرد خود یافته‌اند. به طور کلی ورزش در دو بُعد حرفه‌ای و عمومی بررسی می‌شود. ورزش حرفه‌ای به مسابقات رسمی و شغل ورزشکاری برمی‌گردد ولی ورزش عمومی مربوط به انجام تمرینات ورزشی توسط تمام افراد جامعه و سلامتی عمومی افراد است و حداقل روزانه ۳۰ دقیقه و ۵ روز در هفته توصیه می‌شود. از این نظر ورزش و انجام تمرین‌های ورزشی در میان زنان جایگاه بسیار پایینی دارد (جبر، ۱۹۷۴).

پیشینه پژوهش:

عبدالله‌پور (۱۴۰۱) در مقاله با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر میناب" جامعه آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه شهر میناب می‌باشد که با استفاده از ترکیب شیوه نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله به تعداد ۳۷۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که از این تعداد ۱۹۰ نفر دانش‌آموزان پسر ۵۰/۷ درصد و ۱۸۵ نفر دانش‌آموزان دختر ۴۹/۳ درصد انتخاب شدند که پرسشنامه را پر کردند این پرسشنامه محقق ساخته دارای روایی و پایایی قابل قبول بود برای تحلیل فرضیات پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون، آلفای کراباخ و تحلیل چندمتغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین جنسیت با هویت اجتماعی، بین جنسیت با هویت خانوادگی و بین جنسیت با هویت ملی دختران و پسران براساس آزمون T تفاوت میانگین تفاوت معناداری

(۰/۳۸)، هویت دینی (۰/۳۳) و هویت تاریخی (۰/۲۵) با میزان همسازی اجتماعی شهروندان شهر یاسوج ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری نیز نشان می‌دهد که گرایش به هویت ملی بر همسازی اجتماعی تأثیر متوسط داشته (۰/۴۵) و متغیر هویت ملی در مجموع (۰/۲۱) از واریانس متغیر همسازی اجتماعی را تبیین می‌کند.

مهدی شهبازی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان "تعیین شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی معنوی در ورزش کشور" روش انجام پژوهش آمیخته و جامعه آماری در بخش کیفی را مدیران ستادی، اساتید مدیریت ورزشی و پژوهشگران این حوزه و در بخش کمی مدیران و متخصصان ورزشی، اساتید مدیریت ورزشی و پژوهشگران تشکیل دادند. به صورت هدفمند ۶۵ پرسشنامه محقق ساخته به صورت آنلاین و میدانی توزیع شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی برای ویژگی‌های جمعیت شناختی و آمار استنباطی آزمون فریدمن در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ با نرم‌افزار SPSS برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد در رتبه‌بندی مربوط به مؤلفه‌های شاخص فرهنگی ورزش کشور بیشترین میانگین رتبه مربوط به فعالیت‌های فرهنگی در ورزش و کمترین میانگین رتبه مربوط به ارتباطات و مبادلات فرهنگی بوده است. در رتبه‌بندی مربوط به مؤلفه‌های شاخص معنوی ورزش نیز بیشترین میانگین رتبه مربوط به فعالیت معنوی در ورزش و کمترین میانگین رتبه مربوط به هویت دینی در ورزش بوده است.

محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های شاخصه هویت ملی در اسناد تحولی آموزش و پرورش ایران" نگارش شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در اسناد تحولی آموزش و پرورش جمعاً ۳۶۱ مورد به ابعاد شش‌گانه شاخصه

وجود ندارد. ولی بین جنسیت با هویت دینی دختران و پسران براساس این آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با هویت اجتماعی و هویت دینی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد و بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با هویت خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد و این که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با هویت ملی رابطه معکوس وجود دارد. علاوه بر این ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین رضایت فرد از خود، تأیید دیگران، درونی کردن ارزش‌ها و هماهنگی ارزش‌های گروهی با هویت اجتماعی، هویت دینی، هویت خانوادگی و هویت ملی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. که مهمترین ابعاد سازنده هویت اجتماعی دانش‌آموزان به ترتیب بُعد جغرافیایی، بُعد فرهنگی و بُعد تاریخی می‌باشد.

قلی‌پور، اسماعیلی (۱۴۰۱) در مقابله با عنوان "بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی و همسازی اجتماعی در بین شهروندان شهر یاسوج" همسازی اجتماعی اساس زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل داده و فقدان آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و از هم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود. پژوهش حاضر که با هدف ارتباط بین گرایش به هویت ملی و همسازی اجتماعی در بین شهروندان شهر یاسوج می‌باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش تحقیق در این پژوهش روش پیمایش، و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج است که تعداد آنها براساس آخرین آمار در حدود ۱۱۰ هزار نفر می‌باشد و ۳۷۶ نفر از آنان براساس فورمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین گرایش به هویت ملی و تمامی ابعاد آن یعنی هویت سیاسی (۰/۳۲)، هویت فرهنگی (۰/۳۰)، هویت جغرافیایی

هویت ملی اشاره شده بود که در این بین به بعد فرهنگ و میراث فرهنگی با ۱۱۲ مورد بیشترین توجه به بعد سرزمینی با ۱۱ مورد کمترین توجه شده بود. مهمترین نتیجه پژوهش حاضر این بود که در اسناد تحولی آموزش و پرورش به صورت متوازن به ابعاد شاخصه هویت ملی توجه نشده است.

مریم حقی گلباغی (۱۳۹۷) در مقاله با عنوان "رابطه بین هویت فردی اجتماعی با عملکرد ورزشکاران" ورزش از روزگاران کهن با اهدافی نظیر سرگرمی و یا مسابقه وجود داشته است اما به معنای جدید آن مصادف با توسعه صنعتی جوامع پدیدار شده است. از نظر جامعه‌شناختی، ورزش با اینکه در وهله اول به اهداف بلاواسطه‌ای چون رقابت، تفریح و مهارت و در کل نشاط و سرزندگی جامعه مرتبط می‌شود، اما به واقع مسایل اجتماعی بسیار فراتری با آن پیوند خورده است. علی شهوندی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله با عنوان "بررسی عوامل مرتبط با هویت اجتماعی زنان" روش پژوهش پیمایش می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. حجم نمونه شامل ۳۷۷ نفر زن واقع در سن ۱۸ تا ۶۴ سال بخش مرکزی شهرستان پارساگاد بوده است.

اسفندیار غفاری نسب (۱۳۹۴) در مقاله تحت عنوان "بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر هویت ملی" هویت ملی مفهومی ذهنی از تعلق به یک گروه ملی خاص و ویژه است که با مجموعه پیچیده‌ای از شرایط و احساسات همراه است که نگرش یک فرد را نسبت به آن گروه خاص و دیگر گروه‌ها بیان می‌کند. هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت ملی می‌باشد که با استفاده از نظریه کاستلر در مورد هویت، به روش پیمایشی به بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت ملی در بین شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید پرداخته است و تعداد ۴۰۰ نفر از شهروندان به عنوان نمونه به صورت،

نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند. هویت ملی مفهومی ذهنی از تعلق به یک گروه ملی خاص و ویژه است که با مجموعه پیچیده‌ای از شرایط و احساسات همراه است که نگرش یک فرد را نسبت به آن گروه خاص و دیگر گروه‌ها بیان می‌کند. هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت ملی می‌باشد که با استفاده از نظریه کاستلر در مورد هویت، به روش پیمایشی به بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت ملی در بین شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید پرداخته است و تعداد ۴۰۰ نفر از شهروندان به عنوان نمونه به صورت، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید. براساس نتایج، از میان ۸ فرضیه‌ی تحقیق، ۷ فرضیه مورد تأیید قرار گرفتند. بعلاوه، نتایج رگرسیون چند متغیره نیز بیانگر آن است که چهار متغیر میزان دینداری (۲۲ درصد)، سن (۶ درصد)، گستره شبکه ارتباطی (۵ درصد) و استفاده از رسانه (۳ درصد)، در مجموع ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

پیشینه تحقیقات خارجی

۲۰۲۱- محمد صادق فروزه و همکاران در مقاله انگلیسی با عنوان "تحلیل گفتمان ورزش بانوان در ایران" توسعه ورزش زنان گامی به سوی توسعه ملی است. علاوه بر این به علت تاثیر ورزش زنان بر زندگی خانواده و اجتماع بیشتر مورد توجه دولت و مردم قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی گفتمان اصلی مدیران ورزشی در حوزه ورزش زنان بود. تحقیق از نوع توصیفی بود که با تحلیل کیفی و با رویکرد تحلیل گفتمان از سخنرانی و مصاحبه‌های ۳۴ نفر از مدیران ارشد در حوزه ورزش و جوانان و کدگذاری آن در یک دوره ۸ ماهه از فروردین تا دی ماه ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های حاصل از مصاحبه و سخنرانی‌های

مدیران کدگذاری و در قالب ۱۹ مفهوم و ۸ مقوله‌ی اعتدال، فرهنگ‌سازی، پرورش استعدادها، توسعه ورزش، کارایی ورزش، مدیریت پروری، افتخارآفرینی و الزامات ورزش طبقه‌بندی شد. بنظر میرسد مشارکت زنان در ورزش باعث خواهد شد تا آنها به عنوان قانون‌گذاران، مدیران، مبارزان برای حقوق خود و رهبران سازمان‌های ورزشی تلاش کنند. بنابراین بسیار مهم است تا رسانه‌ها و مدیران ارشد در جایگاه خود با حمایت و وضع قوانین در جهت توانمندسازی ورزش بانوان گام‌های استوارتری بردارند.

سعید نیکنام و بهرام قدیمی (۲۰۲۱) در مقاله با عنوان "تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به بازتولید هویت ملی در تیم ملی فوتبال (از دیدگاه زیر تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران)" هدف پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر (احساس اقتدارطلبی، احساس کارآمدی، احساس ناکامی، احساس محرومیت، خصوصیات فردی) بر نگرش هواداران به بازتولید هویت ملی تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران (متغیر وابسته)، می‌باشد. در این پژوهش براساس روش تحقیق پیمایشی، با استناد بر تکنیک مصاحبه کتبی، سعی گردیده با مراجعه به ۴۰۰ نفر از هواداران تیم ملی فوتبال شهر تهران (به روش نمونه‌گیری متناسب با محیط تحقیق و برآورد حجم نمونه به کمک جدول مورگان) مصاحبه شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نگرش هواداران به بازتولید هویت ملی، بستگی به احساس اقتدارطلبی (+۳۴,۰) و احساس ناکامی (+۳۲,۰) دارد. بنابراین می‌توان گفت هویت افراد در جریانات ورزشی مانند بازی‌های تیم ملی فوتبال، بازآفرینی می‌شود و برای استفاده از این ظرفیت می‌بایست بدون توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل: جنس، سن و... به کنترل و هدایت هیجانات افراد با توسعه فضاهای ورزشی مبادرت نمود تا بتوان در راه هویت‌سازی مجدد و بازآفرینی هویتی افراد، گام‌های موثرتری برداشت. بر این

اساس، پرداختن به بازآفرینی هویتی در جریانات ورزشی، فرصتی بی‌نظیر برای همگان به ویژه هواداران تیم ملی فراهم می‌آورد تا هم در وقایع مهم جامعه مشارکت داشته و هم‌چنین روحیه تحمل و به عبارت بهتر، آستانه تحمل‌شان افزایش یابد. بدون شک، جامعه فعلی و کنونی مانند جنس و... گرفته می‌شود که این روند، سه نوع هویت مشروعیت‌بخش، مقاومت و برنامه‌دار، را خدشه‌دار کرده است. بنابراین استفاده از جریانات ورزشی که به خلق و بازآفرینی هویت هواداران، می‌تواند واقعیت‌هایی را مانند: افزایش حس کارآمدی، کاهش ناکامی، افزایش همبستگی و... در بین افراد جامعه خواهد شد.

داوود نوری و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله با عنوان "فوتبال و سیاست: سیاست فوتبال" فوتبال در سده اخیر حضور چشمگیری در تبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مهم‌تر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است؛ به طوری که این ورزش باورها، نگرش‌ها و عملکردها را تحت تأثیر خود قرار داده است و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و مناسبات داخلی و خارجی می‌تواند کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک داشته باشد و تحولات زیادی را برای کشورها رقم بزند. از این‌رو، ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی سرگرمی‌فراتر رفته و اهداف و کارکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. تحلیل نظریات و مبانی پژوهش نشان می‌دهد از میان پدیده‌های مختلف، فوتبال به عنوان یکی از مصادیق برنامه‌های روابط بین کشورها توانسته جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های کشورهای در حال توسعه برای بیان خواسته‌های خود از جامعه جهانی داشته باشد. جا دارد کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فوتبال و آثار و تبعات آن بر سطح تعاملات بین دولت‌ها و دیگران بازیگران بین‌المللی تئوریزه و

مفهوم‌سازی شود. براساس یافته‌های این پژوهش کار ویژه‌ها و کارکردهای دیپلماسی فوتبال می‌تواند به مثابه تقویت هویت ملی، به عنوان ابزار توسعه، ابزار صلح و آشتی، ابزاری برای نوع دوستی و بهبود مناسبات، ابزار قدرت نرم، ابزاری برای همگرایی و گفتگو در بعد ملی و بین‌المللی کشورها به کار رود. این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی تنظیم شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی مقایسه است.

ماریا (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان "هویت و رفتار ورزشی دانشجویان ورزشکار" با در نظر داشتن زمینه‌های ورزشی و علمی نشان دادند بین هویت ورزشی و هویت دانشگاهی دانشجویان ارتباط مثبت معنادار وجود دارد.

سورک (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان "فوتبال آمریکایی و غرور ملی تفاوت‌های نژادی" در این گفتمان، معنای ناسیونالیسم به نوعی از ناسیونالیسم لیبرال پایبند است که هویت آمریکایی را به برخی ارزش‌ها و (به اصطلاح) احساسات ملی مرتبط می‌کند. در این مورد، هویت آمریکایی با ارزش‌های سنتی آمریکا و ایدئولوژی‌های فردگرایی، آزادی شخصی و شایسته‌سالاری به عنوان چیزهایی که آمریکا را بزرگ می‌کنند، و به عنوان چیزی که ایالات متحده را می‌سازد، نشان داده شد. ملتی که ارزش مبارزه و حفظ را دارد. در گفتمان ملی‌گرایی پسانژادی، مفاهیم شهروندی فراگیر و آرمان‌های فردگرایانه برابری (یعنی اشکال لیبرالیسم انتزاعی) برای همه جای این ایده را می‌گیرد که نژاد مانع است، زیرا گفته می‌شود همه به فرصت‌های اجتماعی مرتبط با آن دسترسی دارند.

کیتون و گرهارت (۲۰۱۴) به عنوان پیش‌بررسی "شکل‌گیری هویت، قدرت هویت" خود گروه‌بندی پیش‌بینی کننده‌های نتایج روانشناختی مؤثر: مدل انعکاس دهنده پاسخ‌های هواداران به نتایج ضعیف و

قوی یک فصل فوتبال»، نشان دادند شکل‌گیری هویت بر خودگروه‌بندی و خودگروه‌بندی بر پاسخ‌های عاطفی و اثرات روانشناختی (عزت نفس، شادی، غرور، خوداتکایی، رضایت‌مندی و لذت) تأثیر مثبت معنادار دارد. خودگروه‌بندی شرایطی است که یک فرد، مجموعه‌ای از افراد (و خود) را با در نظر گرفتن همه پیامدهای آن، به عنوان یک گروه درک می‌کند.

کیرستینگ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "ورزش و هویت ملی: مقایسه جامه‌ای جهانی فوتبال (۲۰۰۶) و (۲۰۱۰)" می‌گوید: رویدادهای ورزشی بزرگ ممکن است ناسیونالیسم منفی یا احساس وطن‌پرستی مثبت را تقویت کنند. داده‌های تجربی جام جهانی (۲۰۰۶) نشان داد این رویداد ورزشی نتوانست حس وطن‌پرستی پایدار را توسعه دهد، هرچند توانسته بود اندکی بیگانه‌هراسی را کاهش دهد. وی پیش‌بینی می‌کند به علت هویت قومی قویتر سیاهان در افریقای جنوبی، رویداد ورزشی سال (۲۰۱۰) بتواند تحمل چندفرهنگی و همبستگی را گسترش دهد.

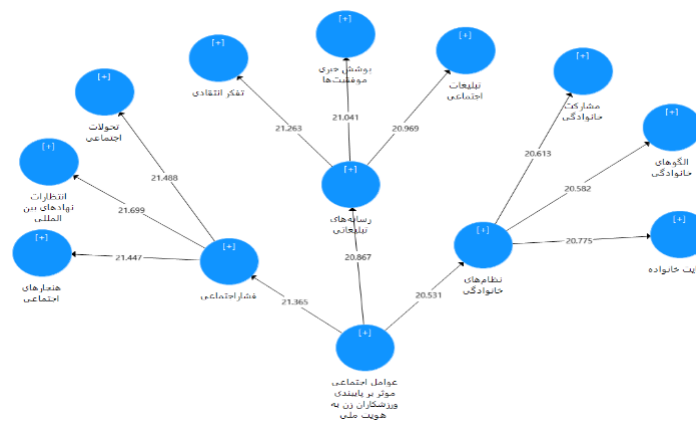
هیر و جیمز (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان "بیرون خط ایستادن: توسعه مقیاس چند بعدی هویت تیمی براساس نظریه هویت اجتماعی" بیان می‌کنند هویت، سازهای چند بعدی است و شش بعد برای هویت تیمی ذکر می‌کنند که عبارتند از: ارزیابی عمومی، ارزیابی خصوصی، همبستگی درونی، وابستگی متقابل، مشارکت رفتاری و آگاهی شناختی.

روش پژوهش

در یک مطالعه جمعیت‌شناختی بر روی ورزشکاران زن، تعداد ۷۱ نفر مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آن نشان‌دهنده ویژگی‌های مختلف جمعیتی این گروه است. از نظر سنی، بیشترین فراوانی متعلق به گروه سنی ۱۸ تا ۲۳ سال است که ۳۱ نفر (معادل ۴۴ درصد) از کل ورزشکاران را تشکیل می‌دهند. گروه سنی ۲۴ تا ۲۹ سال با ۲۲ نفر (۳۱ درصد) و گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال با ۱۸

مسئولیت، ۲۶ نفر (۳۷ درصد) از فارس‌ها، ۲۱ نفر (۳۰ درصد) از ترک‌ها، ۹ نفر (۱۳ درصد) از کردها، ۶ نفر (۸ درصد) از لرها و ۷ نفر (۱۰ درصد) از مازندران و گیلان بودند. از نظر وضعیت تأهل، ۶۰ نفر (۸۵ درصد) از ورزشکاران مجرد و ۱۱ نفر (۱۵ درصد) متأهل بودند. در نهایت، رشته‌های ورزشی شامل فوتسال و والیبال با ۸ نفر (۱۱ درصد)، فوتبال با ۶ نفر (۸ درصد)، کاراته و تکواندو با ۱۲ نفر (۱۷ درصد)، کبده با ۱۰ نفر (۱۴ درصد) و هاکی با ۷ نفر (۱۰ درصد) بوده است. این داده‌ها نمایانگر تنوع و گستردگی ویژگی‌های جمعیتی و ورزشی در میان ورزشکاران زن می‌باشد. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی شامل تحلیل مضامین با نرم‌افزار MaxQDA-V2018 و در بخش کمی شامل توصیف آماری (توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی و توصیف متغیرهای پژوهش) و تحلیل آمار استنباطی از طریق (تحلیل عاملی تأییدی و تی تک نمونه‌ای) داده‌ها با نرم‌افزار SPSS-V27 و SmartPls-V3 بوده است:

نفر (۲۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در بررسی جنسیت، مشخص شد که ۴۴ نفر از ورزشکاران (۶۲ درصد) مرد و ۲۷ نفر (۳۸ درصد) زن هستند. همچنین از نظر مذهب، ۵ نفر (۷ درصد) شیعه، ۱۵ نفر (۲۱ درصد) سنی و ۲ نفر (۳ درصد) بدون پاسخ بودند. در زمینه تحصیلات، بالاترین درصد مربوط به دارندگان مدرک کارشناسی است که ۳۳ نفر (۴۶ درصد) از ورزشکاران را شامل می‌شود. بعد از آن، ۲۹ نفر (۴۱ درصد) دیپلم، ۴ نفر (۶ درصد) کارشناسی ارشد، ۳ نفر (۴ درصد) کاردانی و ۲ نفر (۳ درصد) دکتری دارند. محل سکونت ورزشکاران به تفکیک، ۴۹ نفر (۶۹ درصد) ساکن تهران، ۸ نفر (۱۱ درصد) ساکن البرز و ۳ نفر (۴ درصد) ساکن گیلان بودند. همچنین ۲ نفر (۳ درصد) از آذربایجان شرقی و ۲ نفر (۳ درصد) از آذربایجان غربی و ۳ نفر (۴ درصد) از خراسان، ۱ نفر (۱ درصد) از مازندران و ۳ نفر (۴ درصد) از خوزستان در این مطالعه حضور داشتند. در مورد قومیت و نوع



شکل ۱- نمایش گرافیکی ضرایب معناداری مدل اندازه‌گیری عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی

به حذف شدن ندارد. در ادامه شاخص‌های برازش برای بررسی اعتبار از منظر پاسخ‌دهندگان بخش کمی آورده شده است. شاخص ضریب تعیین (R^2) متغیرهای وابسته: ضریب (R^2) مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زا (وابسته) است و تأثیر یک متغیر مستقل بر یک متغیر

همان طور که در شکل فوق قابل مشاهده است ضریب معناداری تی برای هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها بالاتر از ۲,۵۸ شده است و لذا با ۹۹ درصد اطمینان همه شاخص‌های برای هر یک از مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها برای هر یک از ابعاد تأیید می‌شود و هیچ شاخص و مؤلفه‌ای نیاز

وابسته را نشان می‌دهد که سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی (R^2) در نظر گرفته می‌شوند. مقدار (R^2) برای فشار اجتماعی، رسانه‌های تبلیغاتی و نظام‌های خانوادگی به ترتیب ۰/۵۱۸، ۰/۵۰۵ و ۰/۴۹۴ محاسبه شده است. شاخص اشتراک: این معیار نشان می‌دهد که چه مقدار از تغییرپذیری شاخص‌ها (سؤالات) توسط سازه مرتبط با خود تبیین می‌شود و از میانگین شاخص اشتراک برای تعیین روایی همگرا استفاده می‌شود که این شاخص ۰/۵۸ است.

معیار نیکویی برازش: مقدار این شاخص، با استفاده از میانگین هندسی R^2 و متوسط شاخص اشتراک برای کل مدل مقدار ۰/۵۵۷ محاسبه می‌شود.

$$Gof = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} = 0.557\sqrt{0.58 * 0.536}$$

از آنجایی که مقادیر محاسبه شده GOF برای مدل فرضیه اصلی پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۳۶ بدست آمده، نشان دهنده برازش مناسب مدل است. شاخص ارتباط پیش‌بین (Q^2): این معیار، قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. ملاک تفسیر (Q^2)، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی می‌باشد. مقدار (Q^2) برای متغیرهای تحقیق ۰/۳۳۷ است که در سطح مطلوب است. بر همین اساس می‌توان گفت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرها مطلوب هستند. شاخص NFI: شاخص تناسب غیرهنجاردار که نشان می‌دهد، مدل معرفی شده تناسب را تا ۹۰ درصد بهبود می‌بخشد. اعداد این مدل باید بزرگتر از ۰/۹ باشد. شاخص NFI برای این مدل، عدد ۰/۹۳۹ را نشان می‌دهد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده در نمونه مورد بررسی برازش مناسبی دارد. هم‌چنین با توجه به اینکه بارهای عاملی تمامی متغیرهای آشکار مدل بیشتر از ۰/۴ و معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت سازه حاضر

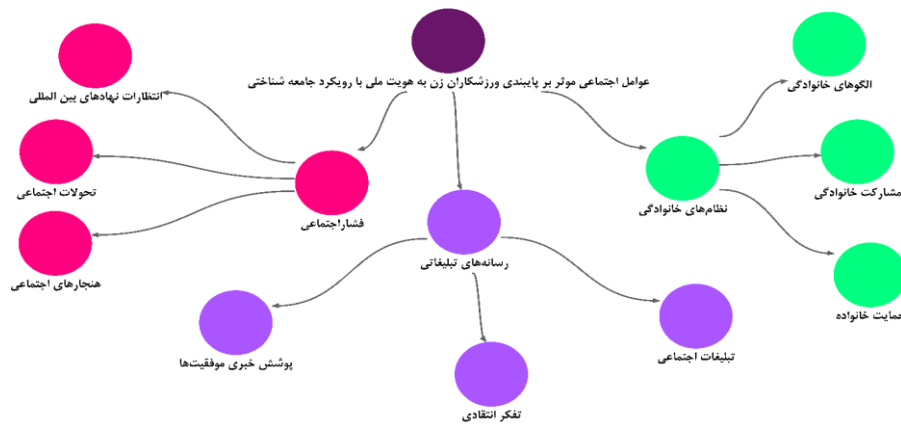
از روایی مطلوبی برخوردار است. نتایج نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت و معنادار بین متغیرهای آشکار است. ضریب همبستگی پیرسون بین این متغیرها در محدوده ۰/۶ تا ۰/۷۵ (مقدار قابل قبول کمتر از ۰/۸۵) قرار دارد که نشان‌دهنده وجود همبستگی متوسط است. هم‌چنین، نتایج آزمون واریانس تورم برای هر یک از متغیرها کمتر از ۲ است (مقدار ایده آل کمتر از ۵) و تولرانس آنها نیز بالای ۰/۷ (مقدار قابل قبول بالاتر از ۰/۱) و هرچه نزدیک به ۱ باشد ایده‌آل‌تر است) است، که به وضوح تأیید کننده عدم وجود هم‌خطی قوی بین متغیرها می‌باشد. دترمینان ماتریس همبستگی پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی برابر با ۰/۴۸ و عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی ۰/۵۰ است که نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی شدید بین متغیرها است (مقدار قابل قبول بزرگتر از صفر و جهت مثبت). به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که مفروضه عدم رابطه هم‌خطی بین متغیرهای آشکار در تحلیل عاملی تأییدی برای متغیرهای پنهان تأیید می‌شود و می‌توان از این متغیرها به عنوان ورودی‌های مستقل در مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده کرد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

شاخص‌های عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی شامل چندین بعد مهم است. اولین بعد، فشار اجتماعی است که به انتظارات نهادهای بین‌المللی، تحولات اجتماعی و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد. این عوامل می‌توانند به شکل‌گیری و تقویت هویت ملی ورزشکاران زن کمک کنند. بعد دوم به رسانه‌های تبلیغاتی مربوط می‌شود که شامل تفکر انتقادی، پوشش خبری موفقیت‌ها و تبلیغات اجتماعی است. این رسانه‌ها می‌توانند نقش بسزایی در ارتقاء آگاهی و حمایت از هویت ملی ورزشکاران داشته باشند. در نهایت، نظام‌های خانوادگی به عنوان بعد سوم مطرح می‌شود که شامل حمایت خانواده، مشارکت خانوادگی

توجه به جدول فوق مدل عوامل اجتماعی موثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی در شکل زیر ارائه شده است:

و الگوهای خانوادگی است. این عوامل اجتماعی به طور کلی تأثیر قابل توجهی بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی آنها دارند و نشان‌دهنده اهمیت محیط اجتماعی در شکل‌گیری هویت ملی است. در نهایت با



شکل ۲- مدل عوامل اجتماعی موثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی

مؤلفه‌های اجتماعی موثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی در بعد "رسانه‌های تبلیغاتی"

۱- تفکر انتقادی

۲- پوشش خبری موفقیت‌ها

۳- تبلیغات اجتماعی

شاخص‌های، اجتماعی موثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی در بعد "نظام‌های خانوادگی"

۱- رفتار حمایتی و همراهی عاطفی خانواده از فعالیت‌های ورزشی زنان

۲- حضور خانواده در رویدادهای ورزشی و ایجاد انگیزه برای زنان

۳- تأثیر حمایت مالی خانواده بر ورزشکاران زن

۴- وجود الگوهای ورزشی قبلی در خانواده

۵- نقش رفتار خانواده و تجربیات ورزشی والدین در انتقال ارزش‌های ورزشی

۶- تشویق به فعالیت‌های ورزشی مشترک در خانواده

۷- مشارکت خانواده در فعالیت‌های ورزشی مشترک

ابعاد اجتماعی موثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی

۱- نظام‌های خانوادگی

۲- فشار اجتماعی

۳- رسانه‌های تبلیغاتی

مؤلفه‌های اجتماعی موثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی در بعد "نظام‌های خانوادگی"

۱- حمایت خانواده

۲- مشارکت خانوادگی

۳- الگوهای خانوادگی

مؤلفه‌های اجتماعی موثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی در بعد "فشار اجتماعی"

۱- انتظارات نهادهای بین‌المللی

۲- تحولات اجتماعی

۳- هنجارهای اجتماعی

- ۸- برگزاری رویدادهای ورزشی خانوادگی و ترویج فرهنگ ورزشی
- ۹- تأثیر تجربه‌های ورزشی مشترک بر پیوند خانوادگی شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر پایداری زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی در بعد "فشار اجتماعی"
- ۱- تأثیر هنجارهای اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش.
- ۲- تأثیر رفتارهای جمعی و قومیتی در ورزش زنان
- ۳- تغییرات اجتناب‌ناپذیر در هنجارهای اجتماعی سبب تغییر در ارزیابی و شاخص‌های پایداری ورزش زنان.
- ۴- تأثیر تغییرات اجتماعی بر تغییر نگرش‌ها نسبت به ورزش زنان.
- ۵- حضور مدرنیته در الگوهای رفتار اجتماعی.
- ۶- تغییر رویکرد نهادهای اجتماعی منطبق با فرهنگ جهانی در حوزه ورزش زنان.
- ۷- کنترل نهادهای نظارتی بین‌المللی در عرصه ورزش زنان.
- ۸- حضور اجباری ورزش زنان در کنوانسیون‌های جهانی.
- ۹- لزوم تقید به استانداردهای جهانی در حوزه ورزش زنان.
- شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر پایداری زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی در بعد "رسانه‌های تبلیغاتی"
- ۱- نحوه بازتاب موفقیت ورزش زنان در رسانه‌ها.
- ۲- نقش انگیزشی رسانه‌ها بر کسب شهرت و محبوبیت ورزشکاران زن.
- ۳- الگوسازی از ورزشکاران زن در بین جوانان.
- ۴- تولید نشاط ملی و انسجام ملی.
- ۵- برجسته‌سازی و معرفی ورزشکاران زن.
- ۶- استفاده از تبلیغات ورزشی یا ورزشکاران زن در هویت‌سازی اجتماعی.
- ۷- معرفی نقش‌های حمایتی و خیرخواهانه ورزشکاران زن.
- ۸- تهییج هواداران و مردم در حمایت‌های ورزشی از زنان.
- ۹- شفاف‌سازی واقعیت‌های حاکم بر ورزشکاران زن
- ۱۰- کمک در معرفی حقوق فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان.
- ۱۱- آسیب‌شناسی و بازنمایی مشکلات موجود در ورزش زنان.
- ۱۲- معرفی عوامل بازدارنده و مشوق در حوزه ورزش زنان.
- ۱۳- دعوت از مسئولین برای حل مشکلات ورزش زنان.
- اجزای شناسایی شده در حوزه عوامل اجتماعی مؤثر بر پایداری ورزشکاران زن ایرانی به هویت ملی در راستای شاخص‌های، تحقیقات اقدام و همکاران در سال (۱۳۹۰)، گودرزی و همکاران (۱۳۸۹)، هاشمی و جوادی (۱۳۸۶)، شجاع و همکاران (۱۳۸۷) می‌باشد.
- ابعاد اجتماعی مؤثر بر پایداری زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی، شامل سه بعد نظام‌های خانوادگی، فشار اجتماعی، رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشند. نکته قابل تأمل در این بخش توجه ویژه به حوزه خانواده ورزشکاران زن ایرانی می‌باشد. مکانیسم اثر خانواده در عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت ملی مبتنی بر سه رویکرد اساسی حمایت، مشارکت و الگوسازی خانوادگی است. اصل مهم در این راستا این است که حمایت‌های روانی و اجتماعی خانواده در کنار مشارکت و حضور فعال اعضای خانواده در رویدادهای فرهنگی، مسابقات ورزشکار را اثر گذار می‌نماید یعنی نوعی حمایت مشارکتی، ضمن آن که به الگوسازی و تولید سلیقه و ذائقه سلامت محور مبتنی بر ضرورت توجه و

احترام به جایگاه ورزش و ورزشکار در سبک زندگی و تربیتی ورزشکار نیز باید توجه ویژه‌ای نمود. البته این رویکرد به عوامل اجتماعی در حوزه‌های عوامل اثرگذار به هویت ملی ورزشکاران بدین گونه با تفکیک نقش خانواده قبلاً صورت پذیرفته است.

در بعد دوم، مفهوم "فشار اجتماعی" بعنوان عاملی اجتماعی در پابندی به هویت ملی در ورزشکاران زن ایرانی مورد توجه قرار گرفته شده است. بعدی که خود به سه مؤلفه انتظارات نهادهای بین‌المللی، تحولات اجتماعی، هنجارهای اجتماعی منفک شده است. نکته قابل تأمل در این بین، رتبه اثرگذاری فشار اجتماعی ناشی از انتظارات نهادهای بین‌المللی نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌باشد. بنظر می‌رسد، تغییر رویکرد نهادهای اجتماعی منطبق با فرهنگ جهانی در حوزه ورزش زنان بیش از پیش مورد توجه ورزشکاران زن و مسئولین و حتی مردم در این عصر بوده است، بگونه‌ای که کنترل نهادهای نظارتی بین‌المللی در عرصه ورزش زنان، حضور اجباری ورزش زنان در کنوانسیون‌های جهانی و لزوم تقید به استانداردهای جهانی در حوزه ورزش زنان، سبب بروز نوعی فشار اجتماعی آنهم با رویکرد جهانی و به تعبیر ورزشکاران زن، بصورت مثبت و سازنده توانسته است نوعی رویکرد پویایی و خروج از انزوا را برای ورزشکاران زن ایرانی مطرح نماید تا زمینه مناسب جهانی برای دیده شدنشان را فراهم نماید و آماده‌سازی اذهان ثابت و خموش سیاست‌گذاران ورزشی را با امری غیرقابل اجتناب و متحول روبرو سازد. این در حالی است که طبق نظر خبرگان ورزشکاران زن ایرانی هنوز با فشارهای اجتماعی از نوع تعصبات خانوادگی، تعصبات قومیتی و دینی، تأثیر هنجارهای اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش و تحولات اجتماعی در عرصه حضور حداکثری زنان نیز مواجه می‌باشند.

بهر حال، تغییرات اجتناب‌ناپذیر در هنجارهای اجتماعی سبب تغییر در ارزیابی و شاخص‌های پابندی

ورزش زنان می‌شود و تأثیر تغییرات اجتماعی بر تغییر نگرش‌ها نسبت به ورزش زنان خواهد شد، ضمن آن که حضور مدرنیته در الگوهای رفتار اجتماعی جوامع، از جمله ایران اجتناب‌ناپذیر بوده و این تحولات با خود تغییرات نقش زنانگی را در ایفای نقش جنسیتی زنان و در نهایت مشاغل و حرفه‌های مختلف دربر خواهد داشت.

بعد سوم، در عوامل اجتماعی مؤثر بر پابندی به هویت ملی ورزشکاران زن ایرانی، رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشد. در بسیاری از تحقیقات از نقش رسانه در ایجاد همبستگی در ورزش و یا ایجاد شهرت و همبستگی اجتماعی یاد کرده اند ولی این تحقیق با تفکیک مکانیسم اثر رسانه در عرصه اثرگذاری به هویت بخشی ورزشکاران زن دارای مزیت رقابتی نسبت به سایر تحقیقات می‌باشد. مکانیسم اثر رسانه در سه مؤلفه تفکر انتقادی، پوشش خبری موفقیت‌ها و تبلیغات اجتماعی مطرح شده است. نحوه بازتاب موفقیت ورزش زنان در رسانه‌ها می‌تواند در هویت‌بخشی به ورزشکاران زن مؤثر عمل نماید، این امر می‌تواند با نقش انگیزشی رسانه‌ها بر کسب شهرت و محبوبیت ورزشکاران زن در بین مردم و هواداران و معرفی بیشتر ایشان صورت پذیرد ضمن آن که الگوسازی از ورزشکاران زن در بین جوانان و بویژه دختران و زنان، می‌تواند نقطه عطفی برای تولید امید به زندگی و ایجاد ذائقه و تولید نیاز هدفمند در این گروه از مخاطبین محسوب شود. از طرفی رسانه‌ها با نمایش موفقیت‌های این ورزشکاران میادین داخلی و خارجی متناسب با چارچوب‌های ارزشی جامعه، می‌توانند در راستای تولید نشاط ملی و انسجام ملی، برجسته‌سازی و معرفی ورزشکاران زن، استفاده از تبلیغات ورزشی یا ورزشکاران زن در هویت‌سازی اجتماعی، معرفی نقش‌های حمایتی و خیرخواهانه ورزشکاران زن، تهییج هواداران و مردم در حمایت‌های ورزشی از زنان، شفاف سازی واقعیت‌های حاکم بر

معنوی ورزش کشور، مطالعات فرهنگی - اجتماعی المپیک سال دوم بهار ۱۴۰۰ شماره ۶.

آقامحمدی، جواد، اسدی، سودابه (۱۳۹۸). واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های شاخصه هویت ملی در اسناد تحولی آموزش و پرورش ایران، سیاست‌های راهبردی و کلان سال هفتم پاییز، شماره ۲۷.

حقی گلباغی، مریم (۱۳۹۷). رابطه بین هویت فردی اجتماعی با عملکرد ورزشکاران، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.

شهوندی، علیرضا، تقوی نسب، سید مجتبی (۱۳۹۶). بررسی عوامل مرتبط با هویت اجتماعی زنان مورد مطالعه: زنان بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد، زن و جامعه سال هشتم زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۳۲).

اسفندیار غفاری نسب (۱۳۹۴). در مقاله تحت عنوان "بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر هویت ملی" هویت ملی، جلد ۴ شماره ۴.

کشاوری، لقمان؛ قیائوند، ندا (۱۳۹۳). رابطه‌ی استرس سازمانی و عملکرد اعضای تیم ملی تکواندو بانوان ایران در رویدادهای بین‌المللی، پایان نامه کارناسی ارشد. محسنین، شهریار و محمدرحیم اسفیدانی (۱۳۹۳). معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی. تهران: مهربان.

اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۲). تاثیر فوت‌بال بر مؤلفه‌های هویت ملی، مجله ارتباطات، شماره چهاردهم ربانی علی، رستگاریا سر (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲.

شهسواری، مهیا (۱۳۹۱). گردن‌آویزهای طلا در گردن دختران ورزشکار، مجله علمی پیام زن، شماره ۲۵۱ عرب عامری، الهه؛ دهخدا، محمدرضا (۱۳۹۰). تعیین نیمرخ شاخص‌های استعدادیابی در رشته تکواندو (زنان) ایران، مجله مدیریت ورزشی، شماره ۱۲.

ورزشکاران زن، کمک در معرفی حقوق فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان در آموزش فرهنگی جامعه، آسیب شناسی و بازنمایی مشکلات موجود در ورزش زنان، معرفی عوامل بازدارنده و مشوق در حوزه ورزش زنان نیز مؤثر عمل نماید. قطعاً دعوت از مسئولین برای حل مشکلات ورزش زنان نیز می‌تواند خود کلید راهگشایی برای هویت‌بخشی به ورزشکاران زن و در عین حال شفاف‌سازی و ارائه کارکرد بخش‌های مرتبط در حوزه ورزش زنان برای جذب اعتماد اجتماعی بیشتر عمل نماید. هویت ملی ورزشکاران زن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی ورزش قهرمانی، تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد و در بستر جامعه توسعه می‌یابد. همانطوری که در یافته‌های تحقیق مشخص گردید سه بعد اصلی نظام‌های خانوادگی، فشاراجتماعی، رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشند و ضمناً مشخص شد که بیشترین تاثیر بر روی شکل‌گیری هویت ملی در عرصه پایداری در این بعد مربوط به نظام‌های خانوادگی و کمترین رتبه مربوط به رسانه‌های تبلیغاتی است، از این رو با تاکید بر مؤلفه‌های این بعد می‌باید بر روی مؤلفه‌های مهمی چون ترویج حمایت خانواده، مشارکت خانوادگی، الگوهای خانوادگی برای ورزشکاران تمرکز نمود.

منابع:

عبدالله‌پور، محمد (۱۴۰۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر میناب، نشریه: پژوهشنامه اورمزد، شماره: ۶۰ (ضمیمه شماره ۲).

قلی‌پور، گلناز، حقیقیان، منصور، اسماعیلی، رضا (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی و همسازی اجتماعی در بین شهروندان شهر یاسوج، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۱. شهبازی، مهدی، هژبرنیا، راضیه، خورند، محمدتقی (۱۳۹۹). تعیین شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی -

exchanges in the last century, Publication: Strategic studies of sport and youth, Course: 18, Number: 45. Maria (2018) in a research entitled "Identity and sports behavior of student athletes" Management in Islamic University/16, seventh year, number/2 fall and winter

Sorac (2016). Encyclopædia Britannica Online, s. v. "gridiron football", accessed September 14.

Keaton and Gerhart (2014) as a preview of "Identity Formation. Identity Power"

Elena, S (2016). "National Identity as Core Concept for the European Standardization Procedure". *Procedia Economics and Finance*. 39:

۴۵۸-۴۶۸.

Gelisli, Y & L. Beisenbayeva (2015). "Opinions of the University Students Studying in Kazakhstan about National Identity". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.

Koross, R (2012). National identity and unity in Kiswahili textbooks for secondary school students in Kenya: A content analysis", *Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies (JETERAPS)*.

Ethnicity). New York Routledge. Calhoun, C (2007): *Basque Nationalism And The Spanish State (The Basque Series)*, University Of Nevada Press. Leonhard, Jorn.:

یادداشت

kalinson

درویشی، لیلا و پروین احمدی (۱۳۹۱). تحلیل محتوای برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه براساس نمادهای ملی و مذهبی. پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره نهم.

رضایی، احمد، سیروس منصوری بکی و میمنت عابدینی بلترک (۱۳۹۰). جایگاه برنامه‌های درسی دانشگاهی در تقویت هویت ملی دانشجویان. مطالعات ملی، دوره دوازدهم.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.

Mohammad Sadegh, Afrozeh (2021). Discourse analysis of women's sports in Iran. Publication: *Communication management in sports media*: ۱۴۰۰

Niknam, saeed, Ghadimi, bahram, sadafi, zabiollah (2021). Number 42 - Serial Number 42, March.

Dawood Nouri et al (2020). in the article entitled "Football and Politics: Football Politics" football has a significant presence in cultural and social

^۲ Gerber, E.W., Felshin, J., Berlin, P., & Wyrick, W. (Eds.). (1974).